بعد از دست‌اندازهای دولتی، رئیس پارلمانی بخش خصوصی با همراهی نمایندگان مجلس نخستین دیدار بین‌المللی خود را برگزار کرد

اتاق رو به جلو

شرق: شواهد حاکی از آن است که تلاش دولت برای ابطال انتخابات پارلمان بخش خصوصی تاکنون به نتیجه نرسیده است و حسین سلاح‌ورزی روز گذشته در صدر هیئتی از بخش خصوصی با هیئتی عالی‌رتبه از ویتنام دیدار داشته است. در این دیدار که با حضور رئیس مجلس ویتنام تشکیل شد، چند نفر از نمایندگان مجلس ایران ازجمله رؤسای کمیسیون اقتصادی و کمیسیون صنعت، معدن و تجارت هم حضور یافتند. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که پیش از این ۷۰ نماینده مجلس از انتخابات پارلمان بخش خصوصی حمایت کرده بودند. به‌جز این، خبرها حاکی از آن است که تلاش دولت برای برگزاری نشستی با هیئت نظارت بر انتخابات اتاق بازرگانی ایران ناکام مانده است و این جلسه پس از چند بار لغو، سرانجام بدون نتیجه به پایان رسید.

حاشیه‌سازی دولت برای اتاق

با وجود گذشت بیشتر از یک ماه از انتخابات اتاق بازرگانی، رسانه‌های نزدیک به دولت تلاش کردند نتیجه انتخابات پارلمان بخش خصوصی را به حاشیه ببرند و حسین سلاح‌ورزی، رئیس منتخب بخش خصوصی در اتاق ایران، هفته‌های پرچالشی را پشت سر گذاشت.

رسانه‌های نزدیک به دولت مدعی می‌شدند که سلاح‌ورزی با حمایت از معترضان در سال گذشته، صلاحیت حضور در اتاق ایران را ندارد و تلاش بی‌وقفه آنها برای ابطال نتیجه انتخابات اتاق ایران به این بهانه ادامه‌دار شد تا آنجا که ایسنا با انتشار نامه‌ای بدون تاریخ و سربرگ، متن استعفایی را به رئیس اتاق ایران منتسب کرده و مدعی شد که او استعفای خود را به هیئت نمایندگان اتاق ایران اعلام کرده است؛ اما دقایقی بعد سلاح‌ورزی با انتشار توییتی در صفحه شخصی خود این اخبار را رد کرد.

این تلاش‌ها که همچنان ادامه دارد، منجر به خبر برگزاری نشستی با حضور نمایندگان دولت و نهادهای نظارتی درخصوص نتیجه انتخابات اتاق ایران شد. بااین‌حال، این جلسه چند بار لغو شد و در نهایت ابتدای هفته جاری قرار بود که جلسه شورای عالی نظارت بر اتاق بازرگانی در ساعت هفت صبح برگزار شود، ولی این جلسه ابتدا به ساعت ۱۴ و سپس به ساعت ۲۰ موکول و سرانجام برگزار شده بود، اما نتیجه‌ای حاصل نشد. آن‌گونه که برخی رسانه‌ها نوشته‌اند وزیر صمت از نامه حراست وزارت صمت مبنی بر عدم تأیید اهلیت حسین سلاح‌ورزی دفاع کرده و آن را قانونی خوانده است؛ در صورتی‌که نه بر اساس قانون و نه بر اساس آیین‌نامه، حراست وزارت صمت هیچ نقشی در تأیید اهلیت یا عدم تأیید آن یا حتی اعلام آن ندارد. در همین زمینه حسین سلاح‌ورزی، رئیس اتاق ایران تأکید کرده است که حتی اگر این نامه قانونی بوده باشد، بعد از موعد مقرر ارسال شده و قابل قبول نیست. از سوی دیگر شنیده‌ها حاکی از آن است که سلاح‌ورزی در جلسه عنوان کرده است که از مقام ریاست اتاق بازرگانی کناره‌گیری نمی‌کند، مگر آنکه او را عزل کنند.

دنیای اقتصاد نوشته است که در جلسه گفته شده وزرای جهاد کشاورزی و اقتصاد و رئیس سازمان استاندارد در این جلسه هیچ اظهارنظری نکرده‌اند و برخی این سکوت را به نشانه دفاع از سلاح‌ورزی می‌دانند. تعدادی از اعضای اتاق بر این باورند که وزیر صمت چهره اصلی مخالفت با حضور سلاح‌ورزی در اتاق است. هرچند برخی می‌گویند مخالفت وزیر صمت هم با انتخابات پارلمان بخش خصوصی چندان جدی نیست.

بااین‌حال، گویا مجلس هم برای دخالت دولت در پارلمان بخش خصوصی همراهی نکرده است و در همایش توسعه همکاری‌های اقتصادی ایران و ویتنام که دیروز در اتاق ایران برگزار شد، نه‌تنها هیئت عالی‌رتبه‌ای از ویتنام با سلاح‌ورزی دیدار داشته‌اند، بلکه چند نفر از نمایندگان مجلس ایران هم در این نشست حضور داشتند.

در این خصوص عزت‌الله اکبری‌تالارپشتی رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس عنوان کرد که «ما با دستور رئیس مجلس اینجا هستیم»؛ حضوری که می‌تواند نشان از چراغ سبز مجلسی‌ها به انتخابات اتاق بازرگانی باشد.

تهاتر کالا با ویتنام

همایش «قوانین و سیاست‌های توسعه همکاری‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری میان ایران و ویتنام» با حضور رئیس مجلس و هیئت تجاری ویتنام، نمایندگان مجلس و فعالان اقتصادی کشورمان در اتاق ایران برگزار شد.

در این همایش حسین سلاح‌ورزی، رئیس اتاق ایران، با اشاره به گرفتاری‌های تحریمی برای تجارت با ویتنام گفت که «متأسفانه در نتیجه بروز تحریم‌ها علیه ایران، دچار مشکلات بانکی و حمل‌ونقلی در ارتباطات بین‌المللی هستیم و این چالش در ارتباط با کشور ویتنام نیز وجود دارد اما ما تجربیات خوبی برای مقابله با این مشکلات داریم و می‌توانیم به راه‌های خوبی برای توسعه همکاری‌ها برسیم. بهره‌مندی ایران از ظرفیت‌های معدنی، محصولات کشاورزی و صنایع غذایی، گردشگری، خدمات فنی مهندسی و... زمینه‌های مساعدی برای همکاری با ویتنام ایجاد کرده و در مقابل، ویتنام قطب تولید محصولات الکترونیک و صنایع جانبی است و در این حوزه تجارب بالایی در اختیار دارد که ظرفیت خوبی برای همکاری است».

وونگ دین هوئه، رئیس مجلس ویتنام، در این نشست به امضای موافقت‌نامه‌هایی با ایران اشاره کرد و گفت که کشورش در فهرست کشورهای با رشد اقتصادی بالای شش درصد در سال قرار دارد و تجارت این کشور بالغ بر ۷۵۰ میلیارد دلار در سال است. به‌جز این ویتنام توانسته که برای بیش از ۳۷ هزار پروژه بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کند. تورم این کشور سال گذشته سه درصد بوده و مقامات این کشور می‌گویند ویتنام در سال ۲۰۵۰ به یک کشور صنعتی تبدیل می‌شود.

او با تأکید بر رفع موانع در مسیر دستیابی به هدف‌گذاری دو میلیارد دلاری در تجارت ایران و ویتنام، تأکید کرد که «این امر نیازمند توافق درباره چارچوب‌های حقوقی و قضائی است. دهمین کمیسیون مشترک اقتصادی به‌زودی برگزار می‌شود و درباره تعیین مکانیسم مالی و تهاتر کالا میان دو کشور تصمیم خواهد گرفت. همچنین موافقت‌نامه‌هایی در حوزه مالیات و گمرک امضا کردیم و تفاهم‌نامه‌هایی در حوزه معاضدت قضائی و در حوزه قرنطینه نباتی، اقتصاد حلال و گردشگری و تبادلات فرهنگی در حاشیه این سفر به امضا خواهد رسید؛ ازاین‌رو اطمینان دارم مشکلات در مسیر افزایش سطح همکاری‌ها برطرف خواهد شد».

فانتی تانگ، معاون وزارت صنعت و تجارت ویتنام، اما رقم تجارت بین دو کشور را تنها حدود ۱۲۶ میلیون دلار اعلام و تأکید می‌کند که ایران و ویتنام می‌توانند در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر، داروسازی، تجهیزات پزشکی و صنایع با تکنولوژی بالا سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشند.

نگوآن آنتوآن، مدیرکل وزارت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری ویتنام، با اشاره به وضعیت اقتصادی کشور خود توضیح می‌دهد: «رشد اقتصاد ویتنام در آسیا روند ثابتی را طی کرده و رتبه دوم آسیا در حوزه سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده است. ارقام جذب سرمایه‌گذاری این کشور قابل توجه بوده و از ۱۴۳ کشور جهان جذب سرمایه داشته است. کره جنوبی با اجرای ۹ هزار پروژه در صدر کشورهایی قرار دارد که در ویتنام سرمایه‌گذاری کرده‌اند و این کشور علاقه‌مند به جذب سرمایه از دیگر کشورها در زمینه کشاورزی با فناوری بالا، انرژی سبز، تکنولوژی بازیافت و پروژه‌های مربوط به حفظ محیط زیست و... است. در واقع توجه به فناوری و نوآوری در پروژه‌ها برای دولت ویتنام بسیار اهمیت دارد».

محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز که در این نشست تجاری حضور داشت، با اشاره به رشد اقتصادی هشت درصدی ویتنام، گفت: توسعه روابط ایران با کشورهای جنوب شرق آسیا در اولویت دولت ایران است و برای تجارت ایران و ویتنام دو میلیارد دلار مبادلات تجاری هدف‌گذاری شده است که متأسفانه امروز با تأخیر در دستیابی به این هدف مواجه هستیم. او هم با اشاره به گره تحریم در روابط تجاری دو کشور گفت که استفاده از روش تهاتر را در دستور کار قرار می‌دهیم.

رحیمی‌جهان‌آبادی، رئیس گروه دوستی ایران و ویتنام در مجلس هم به شمار دیگری از مشکلات تجارت ایران و ویتنام اشاره کرده و گفت که نبود پرواز مستقیم بین ایران و ویتنام و مسائل مربوط به قرنطینه نباتات و محصولات کشاورزی ازجمله این موارد بودند.

در حاشیه این همایش، نشست رودرروی نمایندگان ۲۵ شرکت ویتنامی با فعالان اقتصادی ایرانی برگزار شد.

دلارزدایی بی‌سرانجام

ابوالفضل گرمابی

رونمایی از ریال به عنوان بی‌ارزش‌ترین پول جهان در گزارش نشریه «فوربز» (Forbes, 17Jul. 2023) تأییدی دوباره بر نابودی قدرت خرید ایرانیان بود. با وجودی که از سال‌های دور اعطای یارانه و قیمت‌گذاری دستوری بر انرژی، مواد اولیه و محصولات نهایی، توانسته بود «نرخ برابری قدرت خرید (PPP)» در ایران را به‌طور نسبی قابل تحمل‌تر کند؛ بااین‌حال پس از اجرای برنامه آزادسازی قیمت انرژی و سیاست حذف ارز ترجیحی «نرخ برابری قدرت خرید» به «نرخ برابری ارز ایران در مقابل دلار» میل کرده که این موضوع شاهدی است بر نابودی قدرت خرید ایرانیان. اصلا عجیب نیست که در این فضای هم‌زمانی شوک‌های ارزی و جهش قیمت‌ها، تورم را معلول شوک‌های ارزی بدانند و با اتکا به این فرض سیاست‌های بی‌سرانجامی پیشنهاد شود، بی‌آنکه درک صحیحی از مسئله فراهم آید. شعار جدید «دلارزدایی از اقتصاد ایران» نیز که قرار است فشار تورمی تحریم‌ها را کاهش دهد، از جمله این سیاست‌ها و حاصل درک نادرست رابطه نرخ ارز و تورم است.

تکیه‌کردن بر «افزایش نرخ ارز» به عنوان عامل توضیح‌دهنده تورم موجب غفلت از تبیین دقیق دلایل رشد قیمت‌ها می‌شود؛ به‌خصوص وقتی که رشد نقدینگی ایران در یک موازنه ریاضی قرار است کاهش ارزش ریال به دلار را توجیه کند. زمانی که توضیح پدیده تورم در تندترین حالت منجر به انتقاد از بانک مرکزی به دلیل چاپ پول می‌شود، آنچه پنهان می‌ماند، ردپای کارتل‌های اقتصادی و مالی، از صاحبان پتروپالایشی‌ها گرفته تا بانکداران و هولدینگ‌های مالی در متورم‌کردن فزاینده ادعای خود بر ارزش‌های واقعی و محدود اقتصاد است. برای روشن‌شدن موضوع باید شرح دقیق‌تری از رابطه معماگونه نرخ ارز و تورم ارائه داد.

پول را باید بیان ارزش اسمی محصولات (کالا و خدمات) در اقتصاد دانست. درواقع پول میزان ادعا بر ارزش‌های واقعی اقتصاد است و عدم تناسب میزان این ادعا با حجم واقعی محصولات، به بالارفتن قیمت هر واحد محصول می‌انجامد. بهره‌وری پایین و افزایش سهم سرمایه نامولد (انباشت سرمایه در دارایی‌ها از جمله زمین و املاک و...) نسبت به سرمایه در گردش، مقدار تولید محصولات اقتصاد را محدود می‌کند. به‌طور هم‌زمان اگر استهلاک بالای ماشین‌آلات، افزایش ارزش اسمی مواد اولیه و افزایش سودی که برای سرمایه‌ها (مولد و نامولد) طلب می‌شود، قیمت بازاری محصولات را بالاتر ببرد، نقدینگی بیشتری برای تحقق ارزش محصولات طلب می‌شود (درواقع تحقق ارزش محصولات اقتصاد فقط با فروش آنها در قبال دریافت نقدینگی ممکن می‌شود). سلطه هم‌زمان کارتل‌ها بر صنعت مالی (بانک‌ها) و استفاده از ابزارهای خلق نقدینگی، چنین امری را تسهیل می‌کند. البته این نقدینگی می‌تواند سندی برای ادعا بر ارزش‌های آتی اقتصاد (ارزشی که هنوز تولید نشده) در قالب ابزارهای بدهی (اوراق بدهی) باشد.

مسلما می‌توان به‌طور موقت با سیاست‌های انقباضی (کاهش تقاضای اقتصاد با افزایش نرخ بهره) از تحقق ارزش‌های اقتصاد جلوگیری کرد و دورپیمایی سرمایه را متوقف کرد (رکود اقتصادی) ولی حجم ادعای بر ارزش‌ها (نقدینگی رشدیافته در خلال افزایش نرخ‌های سود بانکی) به‌زودی سرریز می‌کند (برای مثال در سال ۱۳۹۷) و مدعی تولیدات بسیار محدودتر اقتصاد می‌شود و قیمت‌های بازار را این بار به صورت جهشی متورم می‌کند.

نرخ برابری ارز (اگر نوسان‌های ناشی از سفته‌بازی ارز را کنار بگذاریم) درواقع مقایسه قدرت خرید پول ملی نسبت به پول بیگانه است. بی‌شک سطح بهره‌وری بالاتر و به‌طورکلی قیمت تمام‌شده پایین‌تر در یک کشور پیشرفته (مثلا آمریکا)، قدرت خرید پول آن کشور را در مقایسه با پول داخلی کشور عقب‌مانده بالاتر می‌برد و از آنجا که با پول ملی کشور پیشرفته می‌توان کالاهای بیشتری نسبت به پول ملی کشور عقب‌مانده خرید، افزایش ارزش پول کشور پیشرفته رخ می‌دهد. بر این اساس هرچند می‌توان با محدودیت‌های ارزی جلوی تقاضای سفته‌بازانه را گرفت ولی در هر صورت وقتی قیمت تمام‌شده کالای ایرانی به دلیل بهره‌وری پایین، استهلاک بالای تجهیزات و مطالبه سود بالا برای حجم عظیم سرمایه دپوشده در بخش نامولد گران‌تر می‌شود، کاهش تدریجی ارزش ریال امری محتوم است. بنابراین در عمل بالارفتن قیمت تمام‌شده کالاهای داخلی منجر به بی‌ارزش‌شدن تدریجی ریال (افزایش نرخ ارز) می‌شود و نه برعکس. این چارچوب نظری از آن جهت اهمیت دارد که روشن می‌کند پدیده تورم نه ناشی از شوک‌های ارزی بلکه حاصل انسداد خلق ارزش افزوده در اقتصاد و فزونی ادعا در تصاحب آن ارزش محدود است و مسلما حتی اجرای سیاست «دلارزدایی» هم نمی‌تواند خللی در این روند وارد کند.

شواهدی را که در مقابل مطرح می‌شود و بر متأثربودن قیمت کالاهای وارداتی از نوسانات نرخ ارز تأکید می‌کند، باید به‌گونه‌ای دیگر تفسیر کرد؛ شوک ارزی معلول کاهش یکباره قدرت خرید ریال است که خود این کاهش نیز حاصل گران‌ترشدن ناگهانی بهای تمام‌شده محصولات محدود داخلی است. همان‌گونه که گفته شد، این گران‌شدن نیز نتیجه متورم‌شدن بیش از پیش ادعای بر ارزش‌های محدود اقتصاد است که از جانب شبکه انحصاری مالی و اقتصادی اعمال می‌شود. این شبکه انحصاری از یک طرف تولید ارزش افزوده را محدود کرده است و از طرف دیگر مدعی کسب سود بالا از دارایی‌ها و سرمایه‌های نامولد است.

مسلما در گام بعدی کارتل‌های صنعتی و مالی که انحصار واردات مواد اولیه را نیز در دست دارند، از گران‌شدن ارز به‌صورت مضاعف منتفع می‌شوند. از یک‌سو حق دلالی بالاتری می‌گیرند و از طرف دیگر به خاطر سلطه‌ای که بر عرضه محصولات (به‌خصوص محصولات دارویی و صنایع مونتاژی) دارند، از گران‌کردن این محصولات سود بیشتری می‌برند. این موضوع درخصوص شرکت‌های پتروپالایشی که تحویل نفت و عرضه فرآورده‌ها به خصوص فراورده‌های ویژه به صنایع داخلی را با قیمت‌های جهانی (قیمت FOB) انجام می‌دهند و از جهش قیمت دلار منتفع می‌شوند، نیز به‌خوبی مصداق دارد.

ناکارایی «سیاست دلارزدایی» در غلبه بر تورم افسارگسیخته قیمت‌ها نه از ناتوانی در اجرای موفق آن بلکه از کژفهمی رابطه نرخ ارز و تورم ناشی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که اگر دلار هم از مبادلات تجاری حذف شود، افزایش قیمت ارزهای جایگزین هم در پی نزول مکرر ارزش ریال اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و در گام بعدی باید به یوان‌زدایی و روبل‌زدایی اندیشید.

خبر خوش برای بیماران SMA

محموله دارویی بیماران SMA به همت هلال‌احمر وارد شد

مدیرعامل سازمان تدارکات پزشکی جمعیت هلال‌احمر از ورود محموله دارویی بیماران SMA به کشور خبر داد. علیرضا عسکری، مدیرعامل سازمان تدارکات پزشکی درخصوص جزئیات این خبر گفت: جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران، محموله داروی اسپینرازا (Spinraza) را که برای درمان بیماران SMA استفاده می شود، به کشور وارد کرد و این دارو به‌زودی و با برنامه‌ریزی و نظارت وزارت بهداشت در دسترس بیماران قرار می‌گیرد.

عسکری افزود: جمعیت هلال‌احمر امیدوار است از این طریق بتواند رنج بیماران را کاهش داده و گامی عملی در جهت افزایش کیفیت زندگی این افراد و خانواده‌های آنها بردارد.

وی گفت: نوسی‌نِرسن (Nusinersen) با نام تجاری اسپینرازا (Spinraza)، نخستین دارو برای درمان بیماری SMA است که سال ۲۰۱۶ مورد تأیید سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفت و اکنون در بیش از ۵۰ کشور جهان استفاده می‌شود. پس از تصمیم وزارت بهداشت در اردیبهشت سال ۱۴۰۱ درخصوص تأمین داروی مورد نیاز این بیماران، بعد از ۹ ماه انتظار دومین محموله داروی اسپینرازا (Spinraza) توسط جمعیت هلال‌احمر در دسترس بیماران کشور قرار می‌گیرد.

مدیرعامل سازمان تدارکات پزشکی خاطرنشان کرد: SMA یا همان آتروفی عضلانی نخاعی یک بیماری عصبی-عضلانی نادر است و در حال حاضر بیش از ۶۰۰ نفر در ایران که اکثر آنان را کودکان تشکیل می‌دهند، به آن مبتلا هستند.

یادداشت

نگرش فرهنگی در رفتارهای اقتصادی

اشرف‌سادات جلال‌زاده، روزنامه‌نگار: در ایران با هر مشکل و معضلی روبه‌رو می‌شویم و در پی واکاوی و حل موضوعات تحقیق و بررسی را آغاز می‌کنیم و با هر تحلیلگر و صاحب‌نظری در ارتباط با مسائل اقتصادی، اجتماعی و کاستی‌های جامعه نشست می‌گذاریم، در نهایت موضوع اصلی و خاص مشترکی پدیدار می‌شود و آن چیزی نیست جز فرهنگ. بارها و بارها به نقش و ریشه فرهنگ و توسعه‌یافتگی آن اشاره کرده‌ایم؛ اینکه ارتقای سطح فرهنگی تا چه اندازه می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مشکلات باشد.

اما نه دولت توانست در این حوزه اقدامی انجام دهد، نه مردم تلاش کردند سطح فرهنگی جامعه را با مطالعه و ابزارهای دیگر ارتقا دهند. مراودات بین‌المللی و رفت‌وآمد توریست‌ها از سایر کشورها می‌توانست مولد نقل‌وانتقال فرهنگ‌های صحیح جوامع دیگر باشد و نحوه زندگی و فرهنگ آنها می‌توانست تأثیرات مثبت و منفی رفتارهای اجتماعی را نمایان کرده و به ارتقای سطح فرهنگی جامعه کمک کند؛ اما متأسفانه در صنعت گردشگری و جذب توریست بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم و امروز ایران که زمانی میزبان توریست‌ها از سرتاسر جهان بود، مقصد آخر گردشگران هم نیست.

اگر نگاهی به انواع بسترها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ایران بیندازیم، ملک، دلار، سکه، طلا و خودرو سال‌های زیادی است که در اقتصاد ایران به‌عنوان کالای سرمایه‌ای مبادله می‌شوند و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم مؤثر از هم یا متأثر بر هم هستند. بااین‌حال، در صورت بررسی اجمالی همه این اقلام، می‌بینیم که سرمایه‌گذاری در آنها به‌هیچ‌وجه زمینه‌ساز ایجاد ارزش‌افزوده نیست و تأثیر مثبتی بر تولید ناخالص ملی ندارد و درست به همین دلیل مهم و ساده، علی‌رغم اینکه خیلی از ایرانی‌ها در سبد سرمایه‌گذاری خود همه یا تعدادی از اقلام یادشده را دارند، باز احساس فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی دارند.

دقیقا به همین دلیل است که در کشوری با این وسعت و امکانات و زیرساخت‌های متعدد خدادادی اعم از نفت، گاز، معادن، گردشگری و...، بسیاری از ایرانی‌ها در خانواده‌های خود فرزند بی‌کار دارند یا در هنگام خرید یک کالای مصرفی یا لوازم منزل نوع خارجی آن را به نوع داخلی آن ترجیح می‌دهند. درست به همین دلیل است که بسیاری از ایرانیان جهانگردی را که در محدوده ترکیه، دوبی و ارمنستان است، قبل از ایران‌گردی تجربه می‌کنند. اتفاقا به همین دلیل است که در کوتاه‌ترین تعطیلات هم جاده چالوس و هراز با کیلومترها ترافیک به سمت شهرهای شمالی بسته می‌شود. به همین دلیل است که ایرانی‌ها مدام در فکر افزایش متراژ خانه خود هستند و هیچ‌گاه فرصتی برای لذت‌بردن از زندگی ندارند. به همین دلیل است که خانه‌های ایرانی تبدیل به گاوصندوق‌های نگهداری دلار و طلا شده است و به همین دلیل است که ما ایرانی‌ها هیچ‌گاه آرامش را تجربه نمی‌کنیم؛ موضوعی که در همه طبقات و دهک‌های اجتماعی و با هر سطح درآمدی جاری و ساری است. دلیل ظهور و بروز بسیاری از مفاسد اقتصادی اعم از پیدایش سلاطین خودرو، سکه و... نیز همین بستر معیوب و چرخه باطل است که غایتش جز ناکجاآباد نیست.

طمع، هیجان و ترس یا هر چیز دیگری که اسمش را بگذاریم، باعث ایجاد صف‌های طولانی برای خرید دلار، سکه، طلا و خودرو یا خرید ملک و زمین می‌شود و روحیه سفته‌بازی و دلال‌صفتی ما همیشه و در کوتاه‌مدت برای ما ظاهری موفق، پیروز و ثروتمند می‌سازد؛ اما در درازمدت و در برایند کلان اقتصاد، ما همیشه دچار ناامنی ذهنی، احساس عقب‌ماندگی و ترس از فردا هستیم.

نقطه‌ضعف مشهود مدیریت کلان اقتصادی ایران، فارغ از دولت‌ها و گرایش‌های مختلف نیز همراهی و همدلی با این نگرش بوده و هست که در دوره‌های مختلف با ترویج فروش تراکم، سهمیه ارز برای هر کدملی، قرعه‌کشی خودرو و فروش سکه به مردم، درجه توجه و حساسیت مردم را به این موضوعات بالا برده‌اند و بالطبع مردم هم برای عقب‌نماندن از گردونه این رقابت، ناخواسته وارد این بازی شده‌اند.

همه موارد ذکرشده حاصل یک فرایند طولانی است که در گذر زمان و از پس جنگ‌ها و ناامنی‌ها شکل گرفته و به دلیل بی‌ثباتی‌های تاریخی، زمینه و بستر تولید را از جامعه ایرانی سلب کرده و باعث ساخت‌وساز کاروانسراهای حاشیه جاده ابریشم شده است. جاده‌ای که بستر تعامل چین و اروپا بوده و به‌مرور دلالی و تجارت را تبدیل به رفتار قالب و پسندیده اقتصاد ایران کرده است و در جان‌مایه فرهنگ اقتصادی ایرانیان نشو و نما کرده و امروزه به رفتار عادی و عادت پرتکرار ایرانی‌ها تبدیل شده است.

درواقع ما میراث‌دار یک پلتفرم و بستر ناقص و یک‌سویه اقتصادی هستیم که وقتی در اقلامی مثل زمین، ملک، ویلا، ارز، سکه، طلا و خودرو بروز می‌کند، نتیجه‌ای جز برهم‌زدن آرامش روانی جامعه و بی‌ارزش‌کردن پول ملی ندارد. در حقیقت دلیل و موضوع اصلی شکل‌گیری شبهه‌پول یا افزایش نقدینگی، ذات خود پول نیست، بلکه ریخته‌شدن و هدایت آن به سمت بازارهای غیرمولد و فاقد ارزش‌افزوده مثل خودرو، طلا، ملک و... است که اسباب همه گرفتاری‌های ریشه‌ای ماست.

اما راه گریز یا راه‌حل عبور از این شرایط و بازگشت به مسیر و ریل صحیح اقتصادی چیست؟ راه‌حلی که بتواند بازار ناشفاف و سفته‌بازی را در این حوزه‌های غیرمولد جمع کند و پول یا نقدینگی موجود در کف جامعه را به سمت اقدامات ارزشمند و اصلاحات ساختاری و شفاف اقتصادی پیش ببرد.

به نظر می‌رسد برای رسیدن به چنین راه‌حلی، نیازمند اقدامات و رفتارهای فرهنگی متعددی در حوزه اقتصاد کلان و مدیریت بازار هستیم؛ به‌گونه‌ای که مردم به نقش مهم خود به‌عنوان عضوی از جامعه بیشتر واقف شوند و منتظر بروز همه اتفاق‌های خوب از سوی یک ناجی و حامی در قامت دولت، مجلس و... نباشند. البته که دولت‌ها به‌عنوان مجریان و متولیان اقتصاد کلان می‌توانند در تبیین و هدایت این پتانسیل‌ها و سرمایه‌های اجتماعی نقشی مهم و جدی داشته باشند، اما در نهایت این مردم هستند که باید به درک روشنی از تأثیر مخرب رفتارهای اقتصادی دلال‌مآبانه و سفته‌بازانه در فردای نه‌چندان دور زندگی خود و فرزندانشان برسند.

در این میان، دو بستر بانک و بورس می‌توانند جایگزین‌های بسیار خوبی برای گذار از اقتصاد کف خیابانی و ناشفاف به سوی اقتصاد مدرن، عادلانه و شفاف باشند. دو بستری که همه چیز در آنها مبتنی بر ثبت و ضبط اطلاعات است و در نهایت شفافیت، کنترل و نظارت پیش می‌روند و با هدایت جریان‌های پولی، بی‌تعارف در شرایط کنونی اقتصاد که مدام دچار نوسانات و حواشی بازارهای غیرمولد و شرایط هیجانی و منفعت‌طلبانه است، وجود یک ساختار چارچوب‌مند بانکی و بورسی برای بازسازی اقتصادی ضرورتی انکارناپذیر است و این دو رکن مهم می‌توانند در کنار یکدیگر به‌عنوان دو موتور مدیریت‌کننده و محرک، اقتصاد ایران را در مسیری صحیح و اصولی قرار دهند.

دولت می‌تواند با صیانت از دو رکن بانک و بورس و جلوگیری از هجمه‌های علاقه‌مندان به ماهیگیری از آب گل‌آلود در بازارهای هیجانی، زمینه را برای فعال‌ترشدن نقش بانک و بورس در اقتصاد ملی و مردمی ایران فراهم کند. بازسازی فرهنگ اقتصادی مردم ایران و تغییر نگرش آنها از نگرش کوتاه‌مدت به بلندمدت و اندیشیدن به‌جای منفعت شخصی به منافع ملی، می‌تواند زمینه‌ساز رفع بسیاری از مشکلات ریشه‌ای اقتصاد ایران باشد.